

Pazhuheshnameh Matin

Journal of The Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution

Volume 25, Issue 98, Spring 2023

Divisibility of Installment Sale through Economic Analysis Approach in Iranian Law and Imamiyah Jurisprudence with a Glance at Imam Khomeini's Thoughts¹

Bahman Soleimani²

Bahram Taghipour³

Abstract

Research Paper

Divisibility or partial rescission of contract is one of the guarantees for execution of contracts widely accepted by majority of legal institutions and international systems in developed countries. This option helps partial execution of contract instead of total revocation or complete enforcement of the contract. Thanks to its special qualities, installment contract has been paid due attention in terms of divisibility to the extent that the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods has enacted certain articles about it, emphasizing divisibility of installment contract with approach highlighting its efficiency. Since there is no such solution in Iranian law, particularly in terms of installment contract, in this paper we have tried to first present a precise definition of installment contract on one hand, and present solutions from Imamiyah jurisprudence, with Imam Khomeini's opinion included, for divisibility of installment contract. On the other hand, we have tried to investigate some criteria of economic analysis approach to prove that accepting divisibility will boost the efficiency of installment contract.

Keywords: installment contract, divisibility, economic analysis, performance guarantee, efficiency.

1. DOI: 10.22034/MATIN.2023.150290.1287

DOR: 20.1001.1.24236462.1402.25.98.7.9

2. PhD Candidate, Department of Jurisprudence and Private Law, Kharazmi University, Tehran, Iran.

E-mail: bahman313soleimani@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

E-mail: taghipour.bahram@khu.ac.ir

Received: 2018-09-28 Revised: 2018-11-28 Approved: 2018-12-11

تجزیه پذیری بیع اقساطی با رویکرد تحلیل اقتصادی در حقوق ایران و فقه امامیه با نگاهی به اندیشه امام خمینی (س)

بهمن سلیمانی^۱

DOI: 10.22034/MATIN.2023.150290.1287

بهرام تقی پور^۲

DOR: 20.1001.1.24236462.1402.25.98.7.9

مقاله پژوهشی

چکیده: تجزیه پذیری یا فسخ جزئی قرارداد یکی از ضمانت اجراهای پذیرفته شده در بسیاری از نهاد های حقوقی کشورهای توسعه یافته و نیز نظام های بین المللی است که امکان اجرای جزئی قرارداد را به جای بر هم زدن کامل و یا اجبار به اجرای کامل آن فراهم می آورد؛ در این میان، عقد بیع اقساطی به دلیل ویژگی های خاصی که دارد بیشتر از نظر تجزیه پذیری مورد توجه قرار گرفته است تا جایی که در کنوانسیون بیع بین المللی کالا مواد خاصی برای آن وضع گردیده و تجزیه پذیری بیع اقساطی را با رویکرد کارآیی مورد تأکید قرار داده است. در این نوشتار با توجه به اینکه در حقوق ایران چنین راه حلی به ویژه در خصوص بیع اقساطی مورد تأکید واقع نشده است؛ سعی نمودیم از یک سو با ارائه تعریف دقیقی از بیع اقساطی راهکارهایی را از فقه امامیه و از جمله نظرات امام خمینی برای تجزیه عقد بیع اقساطی ارائه دهیم و از سوی دیگر با بررسی برخی از معیارهای رویکرد تحلیل اقتصادی نیز اثبات نماییم پذیرفتن تجزیه پذیری برای عقد بیع اقساطی کارآیی آن را افزایش خواهد داد.

کلیدواژه ها: بیع اقساطی، تجزیه پذیری، تحلیل اقتصادی، ضمانت اجرای قرارداد، کارآیی.

طبقه بندی JEL: K00, K10, K12

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

E-mail: bahman313soleimani@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

E-mail: taghipour.bahram@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۶ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۷/۹/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۰

پژوهشنامه متین / سال بیست و پنجم / شماره نود و هشت / بهار ۱۴۰۲ / صص ۸۱-۱۰۸

مقدمه

یکی از برجسته‌ترین مطالعات میان‌رشته‌ای تحلیل اقتصادی حقوق است که حاصل تأثیر متقابل حقوق و اقتصاد است؛ رویکرد پژوهشگران به این نوع از مکتب میان‌رشته‌ای به حدی است که از آن به‌عنوان مهم‌ترین تحول در دانش حقوق، در قرن بیستم یاد می‌شود (Landes, 2003, p. 167).

در نگرش اقتصادی، حقوق و قواعد حقوقی، ابزارهایی برای «تغییر رفتار» و «سیاست‌گذاری» تلقی می‌شوند و تلاش بر آن است برای پیش‌بینی آثار ضمانت‌اجراهای حقوقی بر رفتار انسان‌ها، نظریه‌ای علمی ارائه گردد و بر مبنای کارآیی اقتصادی مورد مطالعه قرار گیرند (بادینی، ۱۳۸۲، ص. ۱).

مطالعه اقتصادی حقوق، ارزیابی اقتصادی قواعد حقوقی بر پایه اصل کارآیی و مطلوبیت اقتصادی است. به کمک «اقتصاد حقوق» می‌توان مؤثرترین قواعد حقوقی را از نظر اقتصادی گزینش نمود و به ارزشیابی قواعد حقوقی موجود در سایر قلمروهای حقوقی پرداخت. این رویکرد همواره با محاسبه هزینه-فایده در قواعد حقوقی به دنبال توصیه راهکارهایی برای افزایش حداکثر سود و به حداقل رساندن زیان در نهادهای حقوقی است. یکی از مباحث حقوق که به‌صورت سنتی منطق سود-زیان در آن جاری است معاملات به‌صورت اعم و سرآمد آن‌ها عقد بیع به‌صورت اخص است. عقد بیع نهادی اقتصادی، با اهدافی اقتصادی و سودجویانه است؛ لذا باید نگاهی متناسب با طبیعت و ذات این نهاد حقوقی - اقتصادی، بر قواعد آن حاکم باشد؛ اما قانون مدنی ایران با نگاهی صوری و سنتی به این نهاد، آثار و نتایج اقتصادی منفی بسیاری را باعث شده است؛ به‌عنوان نمونه، در حقوق ایران در موارد بسیاری که قرارداد با نقض از سوی متعهد و یا عدم امکان اجرا روبرو می‌شود با وضع ضمانت‌اجرای اجبار و الزام به انجام عین تعهد باعث ضررهای فراوانی از جمله اطاله دادرسی و اتلاف منابع و افزایش هزینه‌های شخصی و اجتماعی می‌گردد. این مهم ما را بدین واداشته است تا با رویکرد تحلیل اقتصادی در عقد بیع اقساطی به‌عنوان یکی از شایع‌ترین انواع عقد بیع - چه در سطح داخلی و چه بین‌المللی - امکان تجزیه‌پذیری آن را در مواردی که اجرای قرارداد با نقض مواجه می‌شود به‌منظور امکان کارآمدی حداکثری مورد مطالعه قرار دهیم.

مسئلاً اجرای یک عقد حتی به صورت ناقص و در مواردی که اجرای کامل یک قرارداد ممکن نیست باید از ارجحیت برخوردار باشد؛ اما در حقوق ایران چنان بر لزوم عقد و اجرای آن تأکید شده است که گویی عقد به گونه‌ای منعقد گشته که بدون کم‌وکاست باید اجرا گردد و از آنجا که در قانون مدنی موادی به صراحت یا تلویحی ضمنی به تجزیه‌پذیری عقود اشاره ننموده این امر به ذهن متبادر می‌گردد که اساساً چنین نهادی مورد قبول قانون‌گذار نبوده است؛ لذا مشهور در فقه امامیه و حقوق ایران، غیرقابل تجزیه بودن عقد و عدم امکان اعمال حق فسخ نسبت به بخشی از آن است (میرزا نژاد جویباری، ۱۳۸۲، ص. ۳۱۰)؛ این در حالی است که با مذاقه در دیدگاه‌های فقهای امامیه و از جمله نظرات امام خمینی می‌توان راه‌هایی را برای تجزیه‌پذیری این نوع عقد فراهم نمود. در حقوق کشورهای توسعه‌یافته و نیز برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز به صراحت قوانینی برای تجزیه‌پذیری عقود و از جمله بیع اقساطی وضع شده است. به عنوان مثال، در حقوق انگلیس (Treitel, 1999, p. 728) و نیز کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با ذکر جزئیات با رویکرد کارآمدی عقود که زیربنای تحلیل اقتصادی دارد به این مقوله پرداخته شده است. سؤال اساسی که در این نوشتار به دنبال پاسخ آن هستیم این است که آیا عدم جواز بر فسخ جزئی و تجزیه‌پذیری عقد بیع اقساطی از نظر تحلیل اقتصادی از کارآیی لازم برخوردار است؟ آیا در حقوق ایران نیز با تحلیل اراده طرفین تعهد و مواد قانونی و نیز مذاقه در نظرات فقهی می‌توان قواعدی برای تجزیه‌پذیری عقد بیع اقساطی به منظور کارآمدی این عقد بنیان نهاد؟

اهمیت این بحث بیشتر در حوزه قراردادهای بین‌المللی ظهور و بروز پیدا می‌نماید، چراکه اولاً بازرگانان به دلیل کمبود منابع در بسیاری از معاملات از قبیل فروش نفت و گاز و ... از آن بهره می‌برند؛ ثانیاً در این زمینه در موارد متعدد و بنا به دلایل مختلف اجرای کل قرارداد میسر نبوده و یا یکی از طرفین عقد، در اثر مواجهه با شرایط جدید - که در مبادلات تجارت بین‌الملل مرسوم است - پس از چند قسط قادر به انجام کامل تعهد نیست.

این مقاله در سه بخش تنظیم شده است: در بخش اول به تعریف بیع اقساطی و تجزیه‌پذیری پرداخته شده است، در بخش دوم مبانی تجزیه‌پذیری در حقوق ایران و فقه امامیه (با تأکید بر نظرات امام خمینی^(س)) مورد بررسی قرار گرفته و در بخش سوم معیارهای تحلیل اقتصادی تجزیه‌پذیری بیان شده است.

پیشینه پژوهش

در خصوص تجزیه پذیری بیع اقساطی کتاب یا مقاله مستقلی که با دیدگاه تحلیل اقتصادی و کارآیی به آن پرداخته باشد به چشم نمی خورد؛ لکن در خصوص تجزیه پذیری قرارداد به صورت کلی مقاله «تجزیه پذیری قرارداد در حقوق ایران، انگلیس و کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰ وین)» نوشته سید حسین صفایی و جلال سلطان احمدی و نیز «فسخ جزئی یا تجزیه قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰- وین) و حقوق ایران» نوشته اکبر میرزا نژاد جویباری به رشته تحریر درآمده است؛ اما آنچه پژوهش حاضر را متمایز ساخته، تمرکز ویژه بر روی قرارداد بیع اقساطی با توجه به ویژگی های خاص آن و نیز دخیل ساختن تحلیل اقتصادی حقوق به عنوان مطالعه ای میان رشته ای که در آن معیارهای کارآیی را مقوم پذیرش تجزیه پذیری قرارداد در بیع اقساطی قرار داده و نیز توجه به آرای امام خمینی در این زمینه است. امید است پژوهش حاضر و آثار مشابه، زمینه ساز تغییر قوانین در راستای پاسخ به اقتضائات روز و مبتنی بر بهره وری باشد چنانچه امام خمینی می گوید: «مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد يك نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می طلبد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۸۸).

۱. مفهوم و قلمرو مورد بحث

در خصوص قلمرو نوشتار حاضر دو نکته مهم حائز اهمیت است: اول آنکه مشخص شود مراد از بیع اقساطی چیست و دارای چه ویژگی هایی است؛ اهمیت این امر وقتی دوچندان می شود که بدانیم تعریف مشخصی از بیع اقساطی و حدود و ثغور آن به ویژه از ضمانت اجراهای آن در قانون مدنی ارائه نشده است؛ دوم آنکه بیان شود تجزیه پذیری چیست؟ و اصولاً چه نوع قراردادهایی تجزیه پذیر هستند و آیا می توان بیع اقساطی را از این امتیاز بهره مند ساخت یا خیر؟ به همین منظور، در این بخش ابتدا به تعریف بیع اقساطی و سپس مفهوم تجزیه پذیری پرداخته می شود.

۱-۱. بیع اقساطی

بیع در لغت به معنای دادوستد (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴، ص. ۵۷۱) و در اصطلاح حقوقی به معنای خرید و فروش است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص. ۹۱۹). فقها دو تعریف عمده برای بیع ذکر کرده‌اند: مبادله مال به مال و ایجاب و قبولی که بر نقل ملک به عوض معلوم دلالت می‌کند (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، صص. ۸۴-۶۵). در هر حال، پس از اشکال و جواب‌های بسیار، تعریفی که مورد قبول بسیاری از فقها و حقوق دانان قرار گرفته است آن است که «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم». شیخ انصاری نیز انشای تملیک عین در مقابل مال را اولی و احسن دانسته است (انصاری، ۱۴۱۹، ص. ۱۱).

اقساط جمع قسط و در لغت به معنای برابری است. برخی گفته‌اند بیع اقساطی بیعی است که در آن ثمن تقسیط و در چند نوبت پرداخت گردد (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴، ص. ۵۷۱). در قانون مدنی ایران تعریفی از عقد بیع اقساطی به چشم نمی‌خورد و تنها در ماده ۳۳۸ قانون مدنی در تعریف عقد بیع آمده است: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم». در فقه امامیه نیز نزدیک‌ترین نوع بیع که افاده معنی در بیع اقساط نماید بیع نسبه است؛ از نظر عرف نیز بیع اقساطی و بیع نسبه همانند هم است با این تفاوت که در بیع نسبه پرداخت بهای کالا معمولاً در یک مرحله انجام می‌شود؛ اما در بیع اقساطی، بهای کالا طی چند مرحله بر اساس موعد مقرر در قرارداد پرداخت می‌گردد. نکته مهمی که در بیع نسبه وجود دارد این است که بهای کالا و تاریخ پرداخت و یا سررسید اقساط آن باید کاملاً معلوم و مشخص باشد وگرنه معامله باطل خواهد بود (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۶۰۷).

اما برای جستجوی تعریف بیع اقساطی در قوانین بین‌المللی از ظاهر بند اول ماده ۷۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا استنباط می‌شود، قراردادی اقساطی است که در آن کالا به نحو اقساط تسلیم شود و از اقساط ثمن نامی برده نشده است؛ اما مذاقه و نگاهی تحلیلی، بندهای دیگر این ماده نشان می‌دهد که اگر در معامله‌ای کالا در یک مرحله تحویل خریدار گردد؛ اما بهای معامله طی چند قسط متناوب پرداخت شود، قرارداد منعقد اقساطی تلقی خواهد شد چنانچه عرف نیز چنین قراردادی را بیع اقساطی می‌گوید. به نظر می‌رسد در حالتی که مبیع طی چند مرحله تسلیم و بهای معامله نیز به اقساط پرداخت شود، قرارداد بیع منعقد را نیز باید اقساطی قلمداد نمود هرچند ممکن است این شبهه پیش آید که این

نوع عقد بیع کالی به کالی است و باطل خواهد بود که در جواب باید گفت: اولاً درست است که در بیع کالی به کالی ثمن و مبیع مدت دار هستند؛ اما سررسید آن‌ها یک تاریخ مشخص بوده و متضمن پرداخت در اقساط متناوب نیست؛ لذا از این نظر متفاوت با بیع اقساطی است؛ ثانیاً در خصوص بطلان بیع کالی به کالی اختلاف نظر وجود دارد و نمی‌توان در این زمینه نظر قطعی داد و حتی به نظر محققان معاصر بطلان این نوع از بیع ضعیف شمرده شده است (تاری، ۱۳۸۶، ص. ۴۰)؛ ثالثاً امروزه بسیاری از عقود به‌ویژه در قراردادهای بین‌المللی از قبیل خرید مواد اولیه کارخانه‌ها، فروش نفت، گاز و سایر کالاهای استراتژیک مانند گندم و... از این قالب برای قرارداد بهره‌برداری می‌نمایند و نمی‌توان به راحتی از منافع آن چشم‌پوشی کرد. از این رو، در جمع‌بندی تعریف بیع اقساطی باید گفت: «عقد بیعی اقساطی است که در آن ثمن، مورد معامله و یا هر دو، در دفعات زمانی متناوب پرداخت یا تسلیم شوند» لکن از یک جنس بودن مورد معامله در کلیه اقساط قرارداد ضروری نیست (Enderlein & Maskow, 1992, p: 294). در این تعریف، در فرهنگ حقوقی بلک به نوع دیگری مورد تأیید قرار گرفته است: «هر نوع قراردادی که در بر دارنده پرداخت یا اجرا در بازه‌های زمانی مختلف باشد» (Bryan, 2011, p. 406).

۱-۲. تجزیه‌پذیری قرارداد

تجزیه از نظر لغوی به معنی «جدا کردن، قسمت کردن و جزء جزء کردن» است (معین، ۱۳۸۷، ص. ۳۱۳). برخی در اصطلاح حقوقی تجزیه‌پذیری گفته‌اند: «هنگامی که قرارداد بین بیش از دو نفر شکل گیرد یا مورد معامله متعدد یا قابل تجزیه باشد، به گونه‌ای که هر جزء آن قابل تقویم به صورت مستقل باشد، قرارداد مذکور قابل انحلال به عقود متعدد است و در صورتی که قرارداد بین دو نفر منعقد شود و مورد معامله واحد و غیرقابل تجزیه باشد، عقد غیرقابل انحلال خواهد بود» (امامی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص. ۴۹۳). در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا تعریفی از قراردادهای تجزیه‌پذیر ارائه نشده و صرفاً در بند ۲ ماده ۵۱ و بند ۳ ماده ۷۳ به مشخص نمودن ضوابط تجزیه‌ناپذیری قرارداد اشاره شده است.

برخی قرارداد تجزیه‌پذیر را عقدی دانسته‌اند که شامل دو یا چند بخش بوده که هر یک از این بخش‌ها می‌توانند به عنوان عقدهای مستقل مورد اجرا قرار گیرند و عدم اجرای یک

بخش موجب نقص و خلل در سایر بخش‌ها و نیز اصل قرارداد نگردد (Bolz, 2014, p. 3). در فرهنگ حقوقی بلک آمده است: «عقدی که از دو یا چند قسمت تشکیل شده و هر یک از آن‌ها با توجه به ماهیت و هدف عقد به صورت ذاتی یا بنا بر اراده طرفین، از قابلیت استقلال و تفکیک از یکدیگر برخوردار باشند، عقد تجزیه‌پذیر خواهد بود» (Bryan, 2011, p. 14). البته باید به این نکته توجه داشت که قراردادهای اقساطی و عقد تجزیه‌پذیر به یک معنا و مفهوم واحد نبوده و تفاوت‌هایی میان آن‌ها وجود دارد. چنانکه در قراردادهای اقساطی از ابتدا به صورت مجموعی منعقد شده و حسب اقساط گوناگون به چند قرارداد جزئی تحلیل می‌شود؛ اما در قراردادهای تجزیه‌پذیر اصولاً یک قرارداد واحد وجود دارد که حسب توافق طرفین باید به صورت یکجا و یک‌باره اجرا شود. ولی موضوع آن قابل تجزیه به اجزای متعدد است (میرزا نژاد جویباری، ۱۳۸۲، ص. ۳۱۰)؛ بنابراین برای اینکه بیع اقساطی قابل تجزیه قلمداد گردد باید از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

الف) دارای دو یا چند بخش (قسط) باشد: وجود قسط‌های مختلف و جدا از هم در قرارداد به صورت معمول و اکثر مواقع حکایت از آن دارد که از نظر طرفین هر قسط به منزله یک عقد مستقل در نظر گرفته شده و یا حداقل قابلیت تفکیک و مجزا شدن از یکدیگر را دارند.

ب) دارای طبیعت تقسیم‌پذیری باشد: از دیگر معیارهای لازم برای تجزیه‌پذیری عقد، قابل تجزیه بودن موضوع قرارداد بیع اقساطی از جهت فیزیکی و طبیعی علی‌رغم واحد و بسیط بودن خود قرارداد است، این امر به صورت ضمنی از بند ۱ ماده ۵۱ کنوانسیون قابل استنباط است؛ یعنی برای اینکه قرارداد اقساطی را بتوان تجزیه‌پذیر قلمداد نمود باید اجزای قرارداد، قابلیت بخش‌پذیری را داشته باشند و از وابستگی متقابل به یکدیگر برخوردار نباشند.

ج) اراده طرفین به صراحت یا تلویحاً موافق بر تقسیم‌پذیری باشد: در تجارت بین‌الملل اراده طرفین نقش مهم و اساسی در امکان تجزیه‌پذیر بودن عقد دارد؛ بیع اقساطی، نیز از قاعده مستثنا نیست؛ لذا نخست باید به قصد مشترک و اراده واقعی طرفین توجه کرد؛ چراکه ممکن است اراده طرفین عقد قراردادی را که امکان تجزیه در آن وجود دارد غیرقابل تجزیه اعلام نموده باشد و برعکس؛ پس قصد مشترک طرفین را باید مهم‌ترین

عامل در امکان تجزیه‌پذیری عقد محسوب کرد (میرزا نژاد جویباری، ۱۳۸۲، ص. ۳۱۲).

اگر بخواهیم تا این قسمت از نوشتار را با دید تحلیلی قلمرو بحث در خصوص تجزیه‌پذیری بیع اقساطی مورد واکاوی و تبیین قرار دهیم باید چنین گفت: اولاً طبق مباحث فوق مشخص گردید که بیع اقساطی محدود به تعریف سنتی که فقط ثمن یا مورد معامله به‌دفعات پرداخت یا تحویل گردد محدود نشده و می‌تواند هر دوی آن‌ها به اقساط مورد تعهد قرار گیرند چنانچه در معاملات امروزی با توجه به کمبود منابع از یک‌سو و نیز کثرت سفارش‌ها از سوی دیگر، بازرگانان و تولیدکنندگان بی‌شماری را در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی ناگزیر به شرکت در چنین قراردادهایی نموده است؛ ثانیاً با شرایطی که اعلام شد می‌توان برای تجزیه‌پذیری بیع اقساطی به بخش‌های مستقل اقدام نمود به عبارتی، از نظر تئوری معنی برای تقسیم‌بندی بیع اقساطی که دارای شرایط لازم یادشده باشد به چند عقد وجود ندارد؛ حال باید دید از نظر مبانی آیا امکان تجزیه‌پذیری این نوع عقد در حقوق ایران و فقه امامیه وجود دارد؟ و از طرف دیگر، رویکرد تحلیل اقتصادی نیز این امر را تجویز می‌نماید و چه ثمراتی از نظر تحلیل اقتصادی بر تجزیه‌پذیری بیع اقساطی مترتب است؟ بر همین اساس، پاسخ این پرسش‌ها در ادامه نوشتار حاضر مورد بررسی قرار گرفت.

۲. مبانی تجزیه‌پذیری در حقوق ایران و فقه امامیه

با بررسی نظریه‌های حقوق و فقه امامیه می‌توان به دنبال معیارهایی برای جواز تجزیه‌پذیری این نوع از عقد بود. چنانچه پیش‌تر اشاره شد، اصل اولیه در حقوق ایران، اجبار به ایفای عین تعهد و نیز عدم تجزیه‌پذیری عقود است (نورانی مقدم، ۱۳۸۷، ص. ۲۲۴). در صورتی که اجبار به انحای مختلف خود مؤثر واقع نبود، به سایر ضمانت اجراها رجوع می‌شود؛ لذا در بیع اقساطی نیز در صورتی که بخشی از تعهد اجرا نگردد به‌عنوان نمونه، مشتری پس از پرداخت چند قسط نسبت به تأدیه سایر قسط‌ها اقدام نکند قانون‌گذار در چنین حالتی اصل را بر عدم تجزیه قرارداد گذاشته است و در نهایت، متعهدله را پس از عدم امکان بر اجرای قرارداد مختار به فسخ کل قرارداد می‌نماید. حال ما در این قسمت برای تجزیه‌پذیری بیع اقساطی به دنبال یافتن راهکارهایی در حقوق ایران و فقه امامیه هستیم.

۲-۱. مبانی تجزیه‌پذیری عقد بیع اقساطی در فقه امامیه

در فقه امامیه، در خصوص مبانی تجزیه قرارداد فصل مستقلی به چشم نمی‌خورد؛ اما قاعده‌ای به نام «انحلال عقد به عقود متعدد» و چند اصل دیگر می‌تواند فراهم‌کننده مبانی مورد انتظار ما در تجزیه عقد بیع اقساطی باشد.

۲-۱-۱. قاعده انحلال عقد به عقود متعدد

انحلال از نظر لغوی به معنای «باز کردن، گشودن، جدا کردن، منحل کردن و از هم پاشیدن» است (آذرنوش، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۶). در مبحث عقود، مراد از این قاعده، این است که عقد واقع بر مرکب و دارای چند بخش، بر هر فردی از افراد آن نیز اطلاق می‌شود (و قید عنوان عقد بر هر بخش صحیح است)؛ درست مثل اینکه واجبی که دارای چند بخش و مرکب است گفته می‌شود مجموع آن واجب است؛ صحیح است گفته شود، هر جزئی از اجزای آن مجموعه نیز واجب است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص. ۱۳۷).

کاربرد این قاعده در معاملات شامل عقود و ایقاعات، منحل کردن یک معامله به معامله‌ای صحیح و لازم و معامله‌ای فاسد و باطل و یا منحل کردن یک معامله به معامله‌ای صحیح و قابل فسخ است (رزمی و نبی‌نیا، ۱۳۹۰، ص. ۵۳) و ما در مبحث تجزیه بیع اقساطی با قسم سوم مواجه هستیم، یعنی گرچه بیع اقساطی به صورت صحیح واقع شده است؛ اما حال که به هر دلیلی قابل اجرا نیست آن را تجزیه نموده و قسمت‌های اجرا شده را صحیح و قسمت‌های اجرا نشده را فسخ می‌نماییم.

در نگاه به قاعده انحلال عقد به عقود متعدد دو نظر وجود دارد عده‌ای معتقدند: «همان‌گونه که انحلال در باب واجبات مرکب از اجزا، عبارت است از اینکه واجب که به اعتبار مجموع، واحد است؛ به اعتبار اجزاء، متعدد است؛ در باب عقود هم می‌توان گفت که قرارداد به اعتبار مجموع متعلقش، عقدی است واحد ولی به اعتبار اجزاء متعلقش عقود متعدده است» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص. ۱۳۷).

گروه دوم و از جمله امام خمینی اگرچه به انحلال عقد واحد به قراردادهای متعدد قائل نیستند؛ اما انحلال و تجزیه آثار قرارداد را پذیرفته‌اند (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، صص. ۵۱۸-۵۲۲). بر اساس این رویکرد، انشا و منشا اموری بسیط و تجزیه‌ناپذیرند (خمینی، ۱۴۱۸، ج

۲. ص. ۲۳۱؛ ولی از آنجا که آثار مترتب بر عقد، معلول اعتبار است، می‌تواند در برخی موارد با مانع مواجه شود و عقد تمام آثار خود را برجای نگذارد؛ به اعتقاد ایشان، به موجود اعتباری حاصل از ایجاب و قبول (انشای قرارداد)، آثاری بار می‌گردد که نتیجه اعتبار طرفین نیست و ریشه در حکم شرع یا اعتبار عرف بر عقد (عقد در معنای محصولی) دارد. لذا امام خمینی با رد تقریری که دیگر فقها از این قاعده دارند قرائت جدیدی ارائه می‌دهند که اگرچه در عمل نتیجه یکسانی دارد؛ اما تعریف امام خمینی از این قاعده به آنچه طرفین عقد اراده کرده‌اند نزدیک‌تر است (عارفی نیا و قبولی درافشان، ۱۳۹۳، ص. ۸۵).

بر مبنای این قاعده و به‌ویژه تقریری که امام خمینی از آن ارائه دادند این تحلیل را ارائه می‌شود که هرگاه در بیع اقساطی چند قسط پرداخت گردد؛ اما در ادامه مانعی برای عمل به تعهد در خصوص سایر اقساط به وجود آید هر چند قرارداد واحد است؛ اما با صرف نظر نمودن از سایر اقساط، می‌توان حکم به تجزیه‌پذیری آن داد و قسمت‌های اجرا شده را عقود مستقل قلمداد نمود و از ادامه ایفای تعهد که امری ضروری است و با کارایی مدنظر تحلیل اقتصادی منافات دارد انصراف داد.

۲-۱-۲. بنای عرف و سیره عقلا

روابط اجتماعی مردم به قدری متنوع و گوناگون است که پیش‌بینی تمام این روابط و مشکلات و مسائلی که بر اثر این روابط به وجود خواهد آمد، غیرممکن بوده طبیعی است که پیش‌بینی راه حل آن نیز متعذر است بنابراین، قانون‌گذار هرچقدر که به مسائل اجتماعی واقف باشد، باز هم نمی‌تواند این قبیل امور را در قانون پیش‌بینی نماید و در این قبیل موارد که قانون از حرکت بازمی‌ماند، عرف و عادت به‌عنوان منبع دوم حقوق به کمک قانون می‌آیند و به حل و فصل مسائل و مشکلات مردم جامعه می‌پردازند (ملک‌زاده و احمدلو، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۷).

با عنایت به توضیح فوق، بنای عرف و سیره عقلا بر صحت عقود است نسبت به آن قسمت از متعلق که واجد شرایط لازم و فاقد موانع معتبر عقد است، مقتضای مبادله مجموع به مجموع حصول مبادله بین اجزاست و عقلا اقتضای مبادله مجموع به مجموع را وجود مبادله بین اجزای معامله محسوب می‌نمایند، بدین توضیح که بین اجزای هر یک از

مورد معامله و ثمن آن، رابطه تقابلی وجود دارد. به‌عنوان مثال، معنی انحلال عقد بیع منزلی که در مقابل یک قیمت مشخص معامله شده است، این خواهد بود که یک‌سوم آن در برابر یک‌سوم ثمن معامله و نیم آن در مقابل نصف قیمت معامله قرار داشته باشد (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۸، ص. ۷۷).

امام خمینی در تجزیه عقد، از یک‌سوی بنای عقلا را به‌عنوان منبعی برای تجزیه‌پذیری آثار عقد معرفی می‌نماید و می‌گوید: عقد امر اعتباری و مضاف به اعیان و اجزای آن است و در میان خردمندان قابل تجزیه است (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص. ۳۶۹)؛ و از سوی دیگر نگاه ویژه به جایگاه عرف در این خصوص دارند و چنانچه در مواردی از نظر عرف آثار عقد قابل تفکیک و تجزیه‌پذیر نباشد، از شمول نظریه ایشان خارج خواهد بود (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، صص. ۳۱۳-۳۱۲)؛ به‌عنوان مثال، در فروش یک‌تن هندوانه که بعد از عقد مشخص شده بخشی از آن معیوب است، از نظر عرف مانعی برای تجزیه آثار این معامله وجود ندارد و قرارداد در بخشی صحیح و بدون اشکال و در قسمت معیوب فاقد اثر است؛ اما در نمونه‌هایی که از نظر عرفی عملاً قابلیت تجزیه و تفکیک وجود ندارد، قائل به این نیست که مثلاً در بیع حیوان گفته شود که بخشی از بهای معامله در برابر یک عضو حیوان و قسمتی دیگر از آن در برابر عضو دیگر قرار داشته باشد، چنانکه این تجزیه از منظر عرف مزاح تلقی می‌شود (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص. ۳۶۹).

عرف و عادت به محض عدم اجرای (اعم از عدم اجر، فسخ یا باطل بودن) بخشی از تعهدات عقد، از کل قرارداد صرف نظر نکرده و آن را خاتمه یافته تلقی نمی‌کند، بلکه بخش باطل یا اجرا نشده یا قابل فسخ را از قرارداد جدا ساخته و مابقی قرارداد به قوت خود باقی خواهد ماند. چنانچه اعتبار عرف به‌طور غیرمستقیم بر قصد و اراده طرفین عقد دلالت دارد. بدین توضیح که به‌صورت ضمنی مدلول و موضوع عرف در قصد مشترک طرفین قرارداد تجلی پیدا می‌کند (شهیدی، ۱۳۸۵، ص. ۳۰۱).

برهمن مبنا، سیره عقلا و عرف نخواهند پذیرفت بیع اقساطی‌ای که با نقض از طرف متعهد مواجه شده باشد را از اساس منتفی بدانیم یا بخواهیم وی را مجبور به انجام کل قرارداد نماییم. بلکه با پیگیری راهی میانه نه عقد را از اساس منتفی اعلام می‌نماییم و نه طرفین را اجبار به ادامه عقدی می‌نماییم که عرف و سیره عقلا نیز آن را تأیید نمی‌کنند.

۳-۱-۲. قاعده العقود تابعة للقصد

قاعده تبعیت عقد از قصد که به قاعده «العقود تابعة للقصد» شهرت دارد یکی از قواعد معروف فقهی است که مورد پذیرش فقهای شیعه بلکه مورد قبول همه مسلمانان و تمام عقلاست. «العقود تابعة للقصد» بر انتقال بعض مورد معامله حتی در فرض انتقال مجموع جاری است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص. ۱۶۹). ممکن است اشکال شود: در برخی از معاملات رضایت شخص متعلق به مجموع اجزای معامله است؛ اما نسبت به قسمتی از آن رضایت ندارد. علاوه بر اینکه اساساً متعلق قصد مجموع معامله بوده و شخص هر جزء معامله را به تنهایی قصد نکرده است؛ پس چگونه می توان قرارداد را نسبت به برخی از اجزای آن که فاقد شرطی از شروط صحت است نادیده گرفت و عقد را نسبت به سایر اجزاء صحیح دانست؟

در پاسخ به این اشکال می توان گفت در موردی که کل مورد معامله است، قصد اجزاء ضمن قصد کل بوده و از آن منفک نمی شود و در هر صورت قصدی که شرط اساسی صحت معامله است، وجود خواهد داشت؛ لذا در مواردی که قصد کل مورد معامله، متضمن قصد اجزای آن نیز هست، قصد اجزاء به صورت تبعی وجود خواهد داشت و ایرادی بر صحت این عقد مترتب نیست. چراکه استقلال و تبعیت قصد در باب صحت معاملات ملاک اعتبار و صحت قرارداد نیست؛ اما امام خمینی به گونه ای دیگر به این اشکال پاسخ می دهد و می گوید: قائل بودن به تعدد مطلوب در این خصوص، موجب تعارض خواهد شد، چراکه در موردی که انشای قرارداد (ایجاب و قبول) به مجموع مورد معامله تعلق گرفته است، در واقع، برای طرفین مطلوب بالاتر را تشکیل داده و قرارداد، مبتنی بر رضای مذکور واقع گردیده است و در صورت عدم اجرای بخشی از قرارداد عملاً عقد دیگری وجود ندارد (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص. ۵۲۳) که بتوان از رضایت با مرتبه پایین تر سخن به میان آورد، مگر اینکه سخن از انحلال عقد به دو عقد مطرح گردد.

با این تقریر می توان گفت در عقد بیع اقساطی که قابلیت تجزیه پذیری را دارند طرفین عقد از ابتدا قصد می کنند که هر قسط به صورت مستقل می تواند مورد قصد قرار گیرد و چه تعدد مطلوب را مبنای تجزیه پذیری بدانیم و چه مطابق نظر امام خمینی تجمیع چند عقد در یک عقد مبنای تجزیه پذیری قرار گیرد، می توان این چنین نتیجه گرفت طرفین عقد با چنین

قصدی وارد عقد شده اند که در صورت وجود موانع بتوانند آن را تجزیه نمایند.

۲-۲. مبانی تجزیه پذیری عقد بیع اقساطی در حقوق ایران

علی‌رغم اینکه نظر مشهور حقوق دانان بر تجزیه‌ناپذیری عقود است لکن با نگاهی عمیق می‌توان مبانی استواری برای اثبات تجزیه‌پذیری عقد بیع اقساطی فراهم نمود؛ که در ذیل تنها به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. البته این مبانی هیچ‌یک با رویکرد تحلیل اقتصادی به عقد نپرداخته‌اند؛ اما می‌توان زمینه‌های کارآیی قرارداد را که مقصود اصلی تحلیل اقتصادی است از این مبانی استحصال نمود.

۲-۲-۱. حاکمیت اراده طرفین

یکی از اصولی که در حقوق ایران مورد پذیرش قرار گرفته، اصل حاکمیت اراده طرفین بر قرارداد است و در تفسیر قرارداد معمولاً قصد مشترک طرفین به هنگام بستن قرارداد جستجو می‌شود؛ هنگامی که در یک قرارداد بیع اقساطی با نقض عقد مواجه هستیم و یکی از طرفین، تعهد خود در خصوص یکی از اجزای عقد را به‌درستی انجام نمی‌دهد بایستی به سراغ تفسیر قرارداد رفت تا بدانیم قصد مشترک طرفین از ورود به قرارداد چه بوده است. اصل حاکمیت اراده یکی از ارکان مهم عقد است که بر اساس آن در تفسیر قرارداد لازم است به آنچه طرفین به‌صورت ضمنی یا صریح از عقد اراده نموده‌اند، توجه شود چراکه الفاظ عقد تا جایی اعتبار دارد که مبین اراده مشترک و واقعی طرفین قرارداد باشد (صفایی، ۱۳۸۶، ص. ۴۶).

در عقد اقساطی چنانچه شرایطی که برای تجزیه قرارداد بدان اشاره شد وجود داشته باشد اجرای بخشی از عقد، تحقق انتظار و اراده طرفین را به همان میزان که در قرارداد به انجام رسیده است به دنبال خواهد داشت؛ حال اگر عبارات قرارداد، مبهم باشد و قصد مشترک طرفین، به‌طور صریح در عقد منعکس نشده باشد، باید با معیارهای شناخته‌شده حقوقی، قصد مشترک طرفین احراز شود. برخی از عوامل داخلی تفسیر عقد عبارتند از: کشف اراده طرفین با توجه به ظهور الفاظ، توجه به طبیعت عقد، تفسیر با لحاظ تمام بندهای عقد.

به طور مثال، در فرضی که چند کالا که امکان معامله جداگانه را داشته باشند و بهای هرکدام معین باشد در قرارداد واحدی مورد معامله قرار می‌گیرند، در واقع چند عقد منعقد شده، لکن تراضی دو طرف کالاها را چنان به هم گره زده که به مثابه یک قرارداد واحد می‌نماید، در این حالت تراضی تا زمانی اعتبار دارد که این رشته به هم تنیده پاره نشده و امکان اجرای قرارداد وجود داشته باشد؛ اما چنانچه عقد نسبت به بخشی از اجزای مورد معامله فاقد اثر شود، با تعدد مطلوب مواجه هستیم و عدم اجرای بخشی از قرارداد موجب بطلان عقد نمی‌گردد. چرا که هر بخشی از ثمن معامله در مقابل بخشی از کالاها قرار گرفته است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص. ۳۱۸).

۲-۲-۲. اصل صحت قرارداد

قاعده یا اصل صحت از قواعد بسیار مهم فقهی است که کاربرد فراوان دارد و در میان فقها نسبت به حجیت آن تردیدی نیست هر چند که در زمینه دلایل حجیت داشتن این اصل در بین آن‌ها اختلافاتی وجود دارد. از آنجاکه قانون مدنی ما از فقه امامیه مقتبس است اصل صحت در فضای حقوقی ما نیز راه یافته و قانون‌گذار در وضع مواد قانون مدنی نشانه‌هایی از این اصل را آورده است (محقق داماد، ۱۳۶۸، ص. ۲۲۸). قانون‌گذار ما اصل صحت را در عقود با صراحت تمام پذیرفته است. در ماده ۲۲۳ قانون مدنی چنین آمده: «هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است، مگر اینکه فساد آن معلوم شود».

برای جریان اصل صحت وجود زمینه‌ای لازم است تا حکم صحت یا فساد برای آن ثابت شود که در این خصوص هر یک از وقوع ظاهری و وقوع عرفی عقد به عنوان زمینه‌های مورد نیاز برای جریان اصل صحت دارای طرفدارانی است؛^۱ اما در هر دو مفهوم عرفی و ظاهری اصل صحت، پس از انعقاد قرارداد، یکی از مبانی تجزیه عقد قلمداد خواهد شد؛ بنابراین در فرض انحلال جزئی قرارداد سایر بخش‌ها به استناد اصل صحت دارای اعتبار خواهند بود و این که ما بخواهیم تمام بیع اقساطی را متروک نماییم و یا متعهد را اجبار به انجام تعهد نماییم و

۱. بین حقوق دانان در خصوص وقوع عرفی و وقوع ظاهری عقد در مبحث اصل صحت اختلاف نظر وجود دارد که توضیح آن خارج از مباحث اصلی مقاله است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه (ر.ک. به: شهیدی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص. ۱۸۱).

جواز به فسخ جزئی ندهیم با اصل صحت قراردادها در تناقض خواهد بود.

۳-۲-۲. اصل لزوم قرارداد

اصل لزوم در حقوق بدان معنی است که اصل بر آن است که کلیه عقودی که به صورت صحیح و بار رعایت ارکان اساسی منعقد شده باشد، بین طرفین لازم الاتباع بوده و طرفین قرارداد باید به تعهداتی که ضمن آن نموده‌اند، عمل نمایند؛ بنابراین برای اینکه عقدی جایز باشد نیاز است به صراحت در قانون ذکر شده باشد و در غیر این صورت، عقد لازم است و هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند آن را برهم زنند، مگر در مواردی که قانون مشخص و معین کرده باشد (مدنی، ۱۳۸۳، ص. ۳۶۷).

ماده ۲۱۹ ق.م. به عقیده اکثر حقوقدانان مبنای حقوقی اصل لزوم، عنوان شده است که در آن به صراحت هر قراردادی که قانون آن‌ها را معتبر شمرده باشد، برای طرفین قرارداد و قائم‌مقام آن‌ها لازم‌الاتباع دانسته شده است، مگر اینکه به رضایت طرفین اقاله و یا به علت قانونی فسخ شود. این اصل همان نهادی است که «اصل لزوم قراردادها» نام گرفته است (شهیدی، ۱۳۸۵، ص. ۲۵۶)؛ البته این اصل در فقه اسلامی نیز ریشه دارد و از آیاتی نظیر (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ) (مانده: ۱) قابل استنباط است.

حال در خصوص عقد بیع اقساطی که عقدی است لازم، بر مبنای اصل لزوم، تردید در وجود یکی از خصایص و آثار لزوم در جزئی از قرارداد، در اصل لزوم خللی وارد نخواهد ساخت و عقد نسبت به سایر بخش‌ها صحیح خواهد بود، چراکه اصل لزوم بر تمام قرارداد حاکم است و هیچ دلیلی مبنی بر عدم حکومت این اصل در صورتی که بخشی از عقد قابلیت اجرا ندارد یا طرفین به هر دلیلی تمایلی به ادامه اجرای تعهدات قراردادی ندارند و... وجود ندارد.

اصل در حقوق ایران بقای قرارداد و اجرای آن است و قانون‌گذار نیز در موارد متعدد بر آن تأکید نموده است (مواد ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۳۷۶، ۴۱۴، ۴۷۶ ق.م.ا). بر همین اساس، فسخ یا تجزیه عقد به چند قسمت که دست کم موجب اجرای بخشی از قرارداد شود، با سیاست کلی قانون‌گذار ایران منطبق است، لذا می‌توان با استناد به این اصل از تجزیه‌پذیری بیع اقساطی دفاع نمود.

۳. معیارهای تحلیل اقتصادی تجزیه پذیری بیع اقساطی

چنانچه پیش تر اشاره شد اساس و پایه تحلیل اقتصادی را «کارآیی» تشکیل می دهد. هرگاه از دید اقتصاد و معیارهای پذیرفته شده برای تحلیل اقتصادی به حقوق بنگریم همواره این سؤال مطرح می شود که آیا قاعده یا نهاد موجود از کارآیی لازم برخوردار است یا خیر و یا چگونه می توان قاعده ای را بنیان نهاد که از کارآیی لازم برخوردار باشد. از این رو، می توان نتیجه گرفت که تحلیل اقتصادی خود به تحلیل اثباتی و تحلیل هنجاری تقسیم می شود. تحلیل اثباتی به توصیف و تبیین پدیده های اقتصادی می پردازد، حقوق به دنبال تحلیل و تبیین ماهیت اقتصادی قوانین و قواعد حقوقی موجود بوده و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن قواعد یا تغییرات آن ها را، مورد پیش بینی قرار می دهد. تحلیل اقتصادی هنجاری نیز با به کارگیری فرآیندهای ارزیابی، تأثیرگذاری قواعد حقوقی در رفاه اجتماعی را مورد بررسی قرار می دهد. تحلیل هنجاری درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که آیا حقوق از لحاظ اقتصادی و اجتماعی کارآمد است یا خیر؟ یعنی قاعده حقوقی از حیث ترویج تولید یا مبادله یا از حیث ترویج رفاه اجتماعی کارآمد است یا خیر؟ (طوسی، ۱۳۹۰، ص. ۲۷۰) تحلیلی که ما در این نوشتار به دنبال آن هستیم از نوع دوم است؛ یعنی صرفاً به توصیف تجزیه پذیری بیع اقساطی نیستیم بلکه دنبال رویکردی هستیم تا با سنجشها و معیارهای تحلیل اقتصادی، کارآیی تجزیه بیع اقساطی در صورت نقض یکی از طرفین را ارزیابی نماییم. به همین منظور در ادامه معیارهای تحلیل اقتصادی اثبات کننده این مهم را مورد بحث قرار خواهیم داد.

قبل از ورود به این معیارها و با عنایت به اینکه هدف اصلی تحلیل اقتصادی حقوق، کارآیی حداکثری قواعد حقوقی است باید به این پرسش پاسخ دهیم که اصولاً اگر مانند کنوانسیون بیع بین المللی کالا در حقوق ایران نیز تجزیه پذیری بیع اقساطی مورد پذیرش قرار گیرد در چه قسمت هایی شاهد افزایش کارآیی بیع اقساطی خواهیم بود؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت قائل بودن به تجزیه پذیری بیع اقساطی نسبت مستقیم با افزایش کارآیی آن دارد که برخی از مصادیق آن عبارتند از:

- تجزیه پذیری به مثابه ضمانت اجرا: هنگامی که طرفین عقد بدانند اگر به تعهدات خود در بیع اقساطی عمل نمایند این امکان برای طرف مقابل وجود دارد که از اهرم تجزیه پذیری عقد استفاده نموده و بتواند تنها قسمت های اجرایش را صحیح

تلقی و از ادامه دادن به قرارداد صرف نظر نماید، سعی خواهد نمود برای استفاده از منافع عقد، حداکثر توان خود را به کار ببندد که طرف مقابل چنین اقدامی ننماید و بدین وسیله اجرای عقد، مورد ضمانت و از گزند عدم اجرا مصون خواهد بود.

- کاهش هزینه معاملاتی: تجزیه‌پذیری بیع اقساطی به این دلیل که این امکان را می‌دهد که طرفین عقد در شرایطی که ادامه عقد به زیان ایشان باشد از ادامه آن انصراف دهند بدون آنکه بخواهند طرف مقابل را ابتدا اجبار به اجرای عقد نمایند بسیاری از هزینه‌های معاملاتی را کاهش داده و میل و رغبت طرفین برای ورود به آن را افزایش می‌دهد و از این جهت کارآیی بیشتری خواهد داشت.

- کاهش اطاله دادرسی: از این نظر که پذیرش تجزیه‌پذیری عقد بیع اقساطی نیازی به اثبات ورود ضرر و نیز طرح شکایت در دادگاه برای الزام طرف مقابل وجود ندارد سبب کاهش فرایند دادرسی نیز گشته و نفع بخشی اجتماعی نیز در بر خواهد داشت.

مواردی که بیان شد از مهم‌ترین مصادیق کارآیی تجزیه‌پذیر دانستن بیع اقساطی هستند؛ با این توضیحات در ادامه به معیارهای پذیرفته‌شده در رویکرد تحلیل اقتصادی برای اثبات تجزیه‌پذیری بیع اقساطی خواهیم پرداخت.

۱-۳. معیار کارآیی پارتو

کارآیی پارتو^۱ یا بهره‌وری تخصیص که اقتصاددان ایتالیایی به نام ویلفردو پارتو آن را ارائه کرده است یک قرارداد یا مقرر قانونی را زمانی کارا می‌داند که وضع فردی را بهبود بخشد، بدون اینکه وضع طرف دیگر را بدتر کند (Zerbe, 2001, p. 10). این معیار نشان‌دهنده موقعیتی است که در آن، در اثر اجرای قرارداد یا هر تغییر دیگری در تخصیص منابع، افزایش رفاه و مطلوبیت یک شخص بر اساس انتظارات و ارزیابی‌های شخصی خود او بدون کاهش در مطلوبیت و رفاه دیگران امکان‌پذیر نباشد. بر مبنای این نظریه که در قرن نوزدهم مطرح شد، موقعیت‌هایی کارا نامیده قلمداد می‌شوند که در آن شخصی در موقعیت

1. Pareto efficiency

با مطلوبیت بیش تر قرار گیرد، بدون این که از مطلوبیت دیگران کاسته شود، این فرآیند تا جایی ادامه می یابد که امکان تغییر بیشتر در جهت افزایش مطلوبیت یک شخص بدون ورود ضرر و کاهش منفعت به دیگران نباشد و هر تغییر بیشتر در جهت افزایش مطلوبیت یک طرف مساوی با کاهش مطلوبیت طرف دیگر شود (نقطه مطلوبیت پارتو). این معیار بر سه مقدمه اخلاقی بنانهاده شده است: ۱. هر شخص ارزیابی بهتری نسبت به مطلوبیت و رفاه خود دارد (ملاک شخصی)؛ ۲. رفاه جامعه زمانی تحقق خواهد یافت که رفاه افراد تشکیل دهنده اجتماع افزایش یابد؛ ۳. هر تغییری که حداقل رفاه و مطلوبیت یک نفر را افزایش دهد، بدون آنکه از رفاه و مطلوبیت دیگران کاسته شود، در نهایت، منجر به افزایش رفاه جامعه خواهد شد (Veljanovski, 2007, p. 32) معیار پارتو به دو حالت «بهینه پارتو» و «برتر پارتو» تقسیم می شود. وضعیت «الف» تنها در صورتی نسبت به «ب» برتر پارتو محسوب می شود که شرایط هیچ فردی در حرکت از «ب» به «الف» بدتر نشود و با این حال، دست کم شرایط یک نفر در اثر این جابه جایی بهتر از قبل می شود.

«بهینه پارتو» هم زمانی محقق می شود که دیگر هیچ وضعیتی از وضعیت برتر پارتو بهتر نباشد. یعنی هرگونه جابه جایی از وضعیت برتر پارتو موجب می شود، دست کم شرایط یک نفر بدتر شود (انصاری، الف، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۳) در این رویکرد برای این که معامله ای منعقد شود، هر دو طرف باید قانع گردند فایده ای که در اثر معامله به دست می آورند، بیشتر از هزینه ای است که صرف می کنند.

با توضیح این رویکرد در بیع اقساطی ما شاهد هستیم که بین قرارداد و اجرای آن به لحاظ زمان بندی عقد فترت و فاصله وجود دارد حال تصور کنید که عقد بعد از اجرا شدن چند قسط با مانع مواجه شود و متعهد از اجرای سایر بخش ها خودداری نماید. در این حالت اگر قائل به عدم تجزیه عقد باشیم تضاد با معیار پارتو آشکار است چرا که در چنین شرایطی اگر متعهد را مجبور به اجرای قرارداد کنیم از آنجا که ضرر متوجه وی خواهد شد ناقض معیار پارتو محسوب می شود و اگر متعهدله تنها این حق را داشته باشد که کل معامله را فسخ نماید از سودی که با اجرای چند قسط از قرارداد اقساطی کسب نموده باید صرف نظر نماید؛ لذا با تجزیه قرارداد و فسخ جزئی آن، بخش هایی از عقد که اجرا شده است به عنوان قسمت های مجزا در نظر گرفته شده و صرفاً از سایر بخش ها صرف نظر می شود.

این نحوه مواجه‌شدن با عقود منجر به خلق نظریه نوینی در عرصه تحلیل اقتصادی حقوق شده که به نقض کارآمد مشهور گشته است. مطابق این نظریه، چنانچه هزینه‌های اجرای تعهد برای طرفین، بیشتر از سود آن باشد، باید فسخ و نقض قرارداد را جایگزین اجرای قرارداد نمود؛ زیرا چنین فسخی منجر به استفاده بهتر از منابع می‌شود (Friedman, 1989, pp. 2-24).

۲-۳. معیار کالدور-هیکس^۱

معیار کالدور-هیکس که به معیار پارتو بهبودیافته نیز مشهور است^۲؛ قاعده‌ای را کارا تلقی می‌کند که منتفعان از آن بتوانند ضرر زیان‌دیدگان از قاعده را جبران کرده و وضعیت بهتری را برای آن‌ها ایجاد کنند (Cooter & Ulen, 2000, p. 50)

بهره‌وری کالدور-هیکس که آن را دو اقتصاددان به نام‌های آلن هیکس و نیکولاس کالدور مطرح کردند درباره موقعیتی است که ممکن است در اثر افزایش مطلوبیت برخی، کاهش مطلوبیت و ضرر و زیان برای سایرین رخ دهد. در حقیقت، کارآیی کالدور-هیکس به حالتی اطلاق می‌شود که به‌عنوان نمونه، در اثر اجرای یک قرارداد در مقایسه باحالت قبل از آن حداقل یک نفر از مطلوبیت بیشتر و موقعیت برتری برخوردار شود هرچند که موجب کاهش مطلوبیت دیگران شود؛ ولی شرط اساسی در این نظریه این است که لازم است میزان مطلوبیت بیشتر از خسارت و کاهش مطلوبیت دیگران باشد تا امکان جبران خسارت طرف زیان‌دیده فراهم باشد.

بر اساس این معیار، عدول از وعده‌ها همواره مذموم نبوده و بعضاً در چارچوب آن، اقدامی قابل توجیه است به این شرط که نفع آن برای متعهدله بیش از هزینه اجرای آن برای متعهد باشد. در این حالت متعهد تنها در صورتی می‌تواند به تعهد خود در قرارداد پایبند نباشد و به‌جای آن جبران خسارت نماید که پس از پرداخت خسارت مورد انتظار متعهدله، چیزی برای او باقی نیز بماند.

1. Kaldor – Hicks

2. pareto potential improvement

این نظریه ریشه در برداشت هلمز^۱ فیلسوف آمریکایی، از مفهوم مسئولیت قراردادی دارد. هلمز به حقوق دانان پیشنهاد می‌دهد «نظریه‌های اخلاقی تعهد را کنار گذاشته و این اصل عملی را بپذیرند که متعهد همواره مختار است از میان اجرای تعهدات قراردادی یا عدم انجام آن و پرداخت خسارت یکی را انتخاب کند» (انصاری، ۱۳۹۰، ص. ۴۱).

با این توضیحات فرض کنید در معامله بیع اقساطی متعهد به تعهد خود در قبال یک یا چند قسط که می‌توان آن‌ها را به صورت مستقل فرض نمود عمل ننماید و از طرفی طرف دیگر عقد بتواند با شخص ثالثی وارد معامله‌ای با سود بالاتری گردد و یا حتی خود متعهد دلیل عدم اجرای عقد را کارآیی و کسب فایده بیشتر در قرارداد با شخص ثالثی ببیند این معیار به هر یک از دو طرف این حق را می‌دهد بدون اینکه مجبور به اجرای تعهد اول باشد وارد معامله دوم شود به شرط آنکه اولاً سود معامله دوم از خسارتی که به متعهدله وارد می‌شود بیشتر باشد و ثانیاً خسارت وی نیز جبران گردد. برای مثال، فروشنده‌ای که تعهد نموده کالایی را به خریدار تسلیم کند، شخص ثالثی پیشنهاد بهتری برای کالا ارائه می‌نماید؛ حال اگر فروشنده ملزم به تسلیم آن کالای خاص به خریدار اول باشد، از لحاظ اقتصادی، قرارداد مزبور، قراردادی ناکارآمد خواهد بود؛ زیرا عین به کسی که بیشترین ارزش را برای آن قائل است منتقل نشده و تخصیص بهینه عین صورت نخواهد گرفت. علاوه بر این، اگر سود حاصل از قرارداد دوم، برای فروشنده بیشتر از خسارت مربوط به نقض قرارداد اول باشد؛ وی نیز تمایلی به اجرای قرارداد اول نخواهد داشت و به پیمان شکنی روی می‌آورد. از این رو باید در چنین شرایطی به متعهد اجازه داد تا با فسخ معامله و پرداخت خسارت متعهدله، با مشتری دوم، قرارداد منعقد کند (Cooter & Ulen, 2000, p. 238).

هرچند این دیدگاه، با نادیده گرفتن اصالت حقوق، به آن به مثابه یک ابزار اقتصادی برخورد نموده و از این منظر قابل انتقاد است؛ اما از آثار مثبت آن این است که در عقدی مانند عقد بیع اقساطی متعهد را در تنگنای اجبار و الزام به اجرای کل قرارداد قرار نمی‌دهد و اگر در مسئله مورد بحث ما بخشی از اقساط اجرا شده باشد و بخشی دچار نقض شده باشد با تکیه بر کارآمدی قرارداد با صرف جبران خسارت احتمالی طرف قرارداد وی را از

1. Oliver Wendell Holmes

ادامه قرارداد معاف می‌نماید.

۳-۳. معیار حداکثر سازی ثروت

بر اساس این نظریه که نخستین بار آن را ریچارد پازنر مطرح کرد، افزایش ثروت اجتماعی به‌عنوان معیار کارآیی معرفی شده است؛ پازنر معتقد است یک قرارداد هنگامی از کارآیی برخوردار است که سبب افزایش ثروت اجتماعی شود؛ (انصاری، ۱۳۹۰، ص. ۴۰). از نظر وی، ثروت جامعه قابل ارزش‌گذاری با پول است؛ بدین شکل که قیمت یک کالا یا بر حداکثر قیمتی که یک خریدار بالقوه حاضر به خرید آن است با پول قیمت‌گذاری می‌شود و یا در صورتی که خریداری وجود نداشته باشد، کالا را بر اساس حداقل قیمتی که مالک آن ترجیح می‌دهد که آن را واگذار نماید قیمت می‌گذارند؛ (Burruss, 2004, p.40) به عبارت دیگر، در حالت دوم، حداقل بهایی که مالک در مقابل دریافت آن، راضی به واگذاری کالا می‌شود، قیمت آن کالا محسوب شده هر چند در حال حاضر برای کالایش مشتری وجود نداشته باشد. (Posner, 1979, p. 119) از نظر پازنر، ثروت، ارزش پولی کالاها و خدماتی است که در جامعه وجود دارد و این ارزش با میزان تمایل افراد برای پرداخت در ازای آن، شناخته می‌شود؛ و از طرفی مالکیت در تخصیص منابع و کالا، رابطه مستقیم با افزایش ثروت جامعه دارد به طوری که تنها با در اختیار دادن هر منبع یا کالا به شخصی که بیشترین هزینه را برای به دست آوردن آن می‌پردازد، شاهد افزایش ثروت جامعه خواهیم بود (خاندوزی، ۱۳۸۶، ص. ۲۹۳).

بدین ترتیب از نظر پازنر هرگاه بتوان منابع اقتصادی را در مصارفی به کار گرفت که بالاترین ارزش را داشته باشد می‌توان مدعی شد آن منابع به‌طور «کارآمد» تخصیص داده شده‌اند.

با این توضیحات در باب بیع اقساطی و امکان تجزیه و فسخ جزئی آن باید گفت این نظریه برخلاف رویه معمول حقوق ایران تا جایی پایبندی به عقد را لازم می‌داند که با میزان افزایش ثروت رابطه مستقیمی وجود داشته باشد در غیر این صورت با هر تغییری در این معادله حکم به خروج از آن می‌دهد. مطابق این معیار بیع اقساطی تنها در خصوص بخش‌هایی از قرارداد که اجرا شده و موجب کارآیی و ثروت‌افزایی بوده مورد تأیید است؛

اما زمانی که نقضی در قرارداد پدید آید از آنجا که ملزم ماندن به قرارداد موجب کاهش ثروت یکی از طرف‌های قرارداد خواهد شد لزومی به پایبندی به عقد وجود نخواهد داشت و اگر وارد شدن در قراردادی جدید موجب افزایش ثروت یکی از طرف‌های قرارداد شود؛ با پرداخت خسارت طرف دیگر می‌توان این رابطه نقض شده را پایان بخشید و وارد معامله‌ای با کارآیی بالاتر شد. در غیر این صورت از منظر تحلیل اقتصادی، اجرای قرارداد در این فرض و اجبار به اجرای تعهدات قرارداد اول با معیار کارآیی پازرن در تضاد است؛ چرا که کالا به کسی که حاضر است بیشترین بها را برای آن پردازد تعلق نمی‌گیرد. به لحاظ عملی هم متعهد پس از محاسبه سود عقد جدید در مقابل ضرر ناشی از نقض معامله فعلی و یا به دلیل هزینه بالای اجرای تعهدات در مقایسه با پیش‌بینی قبلی به عهدشکنی روی می‌آورد؛ و نتیجه‌ای جز عدم اجرای قرارداد را دربر نخواهد داشت. پس بهتر است بپذیریم متعهد بتواند از معامله بیع اقساطی فعلی خارج شده و نسبت به بخش‌هایی که اجرا ننموده است ضمن پرداخت خسارت احتمالی و در راستای حداکثر سازی ثروت، وارد معامله جدید گردد.

نتیجه‌گیری

رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق همواره بر کارآیی قواعد حقوقی تکیه می‌نماید؛ از آنجا که وضع قوانین در بسیاری از نظام‌های حقوقی مبتنی بر مبنای تحلیل اقتصادی و کارآیی قواعد حقوقی است شاهد آن هستیم که در خصوص بیع اقساطی که یکی از مهم‌ترین انواع بیع است در قوانین بین‌المللی نظیر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا تمهیداتی از قبیل تجزیه‌پذیری بیع اقساطی وضع شده تا کارآیی حداکثری آن تضمین گردد. بدین معنی که اگر متعهد از ایفای تعهد در برخی از اقساط خودداری نمود طرف مقابل بتواند ضمن اعلام فسخ جزئی یا تجزیه‌ی عقد، به آن قسمت از قرارداد که تاکنون اجرا شده پایبند بوده و از ادامه آن که دیگر از کارآیی برخوردار نبوده و تأمین‌کننده انتظارات وی از قرارداد نیست ممانعت به عمل آورد؛ اما حقوق ایران بدون در نظر گرفتن اقتضانات جدید بیع اقساطی با توجه به گسترش روزافزون آن در عرصه داخلی و بین‌المللی با نگاهی سنتی و صرفاً باهدف ایجاد نظم اجتماعی و عدالت و بدون در نظر گرفتن ابعاد اقتصادی و افزایش رفاه اجتماعی اقدام به وضع قواعد ناکارآمد نموده است به گونه‌ای که ابتدا باید کلیه مسیرهای قانونی

برای اجبار متعهد به ایفای تعهد طی گردد و در صورت عدم توفیق به الزام وی، اقدام به فسخ کلی قرارداد نماید؛ اما طبق آنچه در این نوشتار گذشت با نگاهی دقیق به فقه امامیه و از جمله اندیشه‌های امام خمینی و نیز معیارهای تحلیل اقتصادی می‌توان مبانی مورد نیاز برای تجزیه‌پذیری بیع اقساطی در حقوق ایران را فراهم نمود.

پذیرش نظریه تجزیه‌پذیری بیع اقساطی منجر به افزایش کارایی بیع اقساطی خواهد گردید که برخی از آن‌ها عبارتند از: انعطاف عقد در شرایط مختلف اقتصادی، کاهش هزینه‌های معاملات، کاهش اطاله دادرسی، تخصیص بهینه منابع و ... به همین منظور، لازم است به بازتعریف قواعد حقوقی در این خصوص و وضع قوانین کارا به منظور افزایش رفاه اجتماعی و حداکثر سازی ثروت اقدام نمود.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۵). فرهنگ معاصر عربی - فارسی. تهران: نشر نی، چاپ ششم.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ پنجم.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). ترجمه تحریر الوسیله امام خمینی (س). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ ق). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول، ۵ جلدی.
- امامی، سید حسن (۱۳۶۶). حقوق مدنی. جلد ۱، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ ششم.

- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۹ ق). کتاب المکاسب. المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاري، الأمانة العامة.
- انصاری، مسعود، طاهری، محمد علی (۱۳۸۴). دانشنامه حقوق خصوصی. تهران: انتشارات محراب فکر، چاپ اول.
- انصاری، مهدی (الف ۱۳۹۰). تحلیل اقتصادی حقوق قراردادها. تهران: جاودانه، جنگل.
- انصاری، مهدی (ب ۱۳۹۰). نظریه نقض کارآمد قرارداد از دیدگاه مکتب تحلیل اقتصادی حقوق. فصلنامه حقوق، ۴۱(۱)، ۳۹-۵۷. doi: 20.1001.1.25885618.1390.41.1.3.1
- بادینی، حسن (۱۳۸۲). مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۶۲(۰)، ۹۱-۱۳۵. https://jflps.ut.ac.ir/article_11138.html
- تاروی، جبار (۱۳۸۶). وضعیت بیع کالی به کالی در فقه و حقوق ایران. مجله کانون وکلای دادگستری، ۷ و ۸، ۲۷-۴۴.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش، چاپ اول.
- حسینی مراغه‌ای، میر فتح (۱۴۱۸ ق). عناوین. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- خاندوزی، سید احسان (۱۳۸۶). معیارهای اقتصادی در قانون گذاری نوین. مجله مجلس و پژوهش، ۱۳(۵۴)، ۲۷۹-۲۹۶.
- خمینی، سید مصطفی (۱۴۱۸ ق). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رزمی، محسن، نبی نیا، خالد (۱۳۹۰). قاعده «انحلال عقد به عقود متعدد» در فقه و حقوق موضوعه. فقه و تاریخ تمدن، ۸(۲)، ۵۱-۸۰.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۵). اصول قراردادها و تعهدات. تهران: انتشارات حقوقدان.
- صفایی، سید حسین (۱۳۸۶). قواعد عمومی قراردادها. تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ پنجم.
- صفایی، سید حسین، سلطان احمدی، جلال (۱۳۸۹). تجزیه پذیری قرارداد در حقوق ایران، انگلیس و کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰ وین)، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی،

dor: 20.1001.1.25885618.1389.40.101.9.0.۱۶۶-۱۴۹، (۱۰۱)۴۰

- طوسی، عباس (۱۳۹۰). متدولوژی «حقوق و اقتصاد». تحقیقات حقوقی، ۱۴ (۴)، ۲۷۷-۲۵۱.
- عارفی نیا، احمد، قبولی درافشان، سید محمدمهدی و محسنی، سعید (۱۳۹۳). بررسی ایرادات وارد بر قاعده انحلال قرارداد واحد به قراردادهای متعدد. آموزه‌های فقه مدنی، ۱۰، ۷۵-۱۰۰.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). قواعد عمومی قراردادها. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۸). قواعد فقه: بخش مدنی. تهران: نشر علوم اسلامی، چاپ هفتم.

- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۳). حقوق مدنی. تهران: انتشارات پایدار، چاپ اول.

- معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات ساحل، چاپ چهارم.

- ملک‌زاده، فهیمه، احمدلو، مونا (۱۳۹۱). جایگاه عرف در حقوق با رویکردی بر اندیشه‌های امام خمینی (س). پژوهشنامه متین، ۱۴ (۵۶)، ۱۳۹-۱۶۳.

dor: 20.1001.1.24236462.1391.14.56.3.4

- موسوی بجنوردی، سید محمدحسن (۱۳۷۷). القواعد الفقهيّة. قم: نشر الهادی.

- میرزا نژاد جویباری، اکبر (۱۳۸۲). فسخ جزئی یا تجزیه قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰-وین) و حقوق ایران. نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۲۹، ۲۸۵-۳۳۰.

- نورانی مقدم، سید یونس (۱۳۸۷). اجبار به ایفای عین تعهد. مجله پژوهش علوم انسانی، ۹ (۲۳)، ۲۲۳-۲۵۰.

- Ansari, M. (2011). *Economic Analysis of Contract Laws*. publication jangal, first edition. [In Persian]

- Ansari, M. (2011). *The theory of efficient breach in contract law*. private law studies, 41(1), 39-57. dor: 20.1001.1.25885618.1390.41.1.3.1

- Ansari, M. (1998). *Al-Makasib*. Qom: Congress of Sheikh Ansari, first edition. [In Arabic]

- Ansari, M. & Taheri, M. (2005). *Private Law Encyclopedia*. Mehrab Fekr publication, Tehran: 1st edition. [In Persian]

- Arefinia, A, Ghabooli Dorafshan, S,M,M. & Mohseni, S. (2012). The

objections to the rule of dissolution of a single contract into multiple contracts. *civil jurisprudence doctrine*, 10, 75-100.

- Azartash, A. (2006). *The contemporary Arabic - Persian dictionary*. Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]
- Badini, H. (2003). The philosophical foundations of the economic attitude to law. *Journal for the Faculty of Law and Political Sciences*, 62(0), 91-135. https://jflps.ut.ac.ir/article_11138.html
- Bolz, Ch. (2014). *Whether a Contract is Divisible*. *Bankr, research libr*, 4.
- Bryan, A. G. (2011). *Black's Law Dictionary 4th pocket ed.* (West Group)
- Burress, D. (2004). *Economic Analysis And Distributive Justice*. *Institute for Public Policy and Business Research*.
- Cooter, R, Ulen, Th. (2000). *law and Economics*. *An imprint of Addison Wesley*.
- Emami, S. H. (1989). *Civil law*. Tehran: Islamic institute, vol1. [In Persian]
- Enderlein, F., Maskow, D. (1992). *Convention on the Limitation on the Period in Internationale Sale of Goods*. Oceana Publications.
- Friedman, D. (1989). The Efficient Breach Fallacy. *The Journal of Legal Studies*, 18(1), 1-24. <https://www.jstor.org/stable/3085640>
- Hosseini Maraghei. M. (2013). *Anavin Al-Osool and Ghavanin al-fosool*. Qom: Qom seminary. (In Arabic)
- Jafari Langeroudi, M. J. (1999). *Detailed Law Terminology*. Tehran: Ganj-e-Danesh Publication, 1st edition. [In Persian]
- Katouzian, N. (2008). *General Rules of Contracts*. Volume Four, Tehran Publishing Company, Fifth Edition, . [In Persian]
- Khandoozi, S. E. (2007). Economic criteria in modern legislation, *Journal of Parliament and Research*, 13(54), 279-296.
- Khomeini, S. M. (1997). *Kitab al-Bei*. Tehran: Imam Khomeini Editing and

- Publishing Institute. [In Arabic]
- Khomeini, S.R. (2001). *Kitab al-Bai*. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. [In Arabic]
 - Khomeini, S.R. (2005). *collection of Imam words*. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. [In Persian]
 - Khomeini, S.R. (2013). *Translation of Tahrir al-Vasile*. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. [In Arabic]
 - Landes, M. W. (2003). The Empirical Side of Law and Economics. *Chicago Law Review*, 167-180. https://chicagounbound.uchicago.edu/journal_articles.
 - Madani, S. (2006). *Civil code: named contracts*. Volume 4, firsts edition, Tehran: Paydar Publications. [In Persian]
 - Malekzadeh, F, Ahmadloo, M. (2012). Status of Common Sense in Law With Special Reference to Imam Khomeini's Viewpoints. *Matin Research Journal*, 14(56), 139-163. dor:20.1001.1.24236462.1391.14.56.3.4
 - Mirzanejad Jooibari, A. (2003). The Partial Termination or the Separation of Contract under the Convention for the International Sale of Goods (Vienna-1980) and the Iranian Law. *International Law Review*, 29, 285-330. [In Persian]
 - Mohaghegh Damad, S. M. (1996). *Jurisprudence rules: civil section*. Tehran: Islamic Sciences Publishing House, 7th edition. [In Persian]
 - Moien, M. (2008). *Persian culture*. Tehran: Sahel Publishing. [In Persian]
 - Mosavi Bojnordi, S.M.H. (1998). *Jurisprudential rules (Alqawaeid alfiqhiā)*. Qom: Al-Hadi Publishing House. [In Arabic]
 - Nourani Moghaddam, S.Y. (2010). Compulsion to do the original commitment. *Research Journal in Humanities*, 9(23), 223-250. [In Persian]
 - Razmi, M, Nabi-nia, Kh. (2011). The rule of "dissolving a contract into multiple contracts" in jurisprudence and law. *Journal of Jurisprudence &*

History of Civilization, 8(2), 51-80. [In Persian]

- Safaei, H. (2013). *Introductory course of Civil Law. General rules of contracts*, Volume. 2, Fourteenth Print, Tehran: Mizan Publishing. [In Persian]
- Safai, S.H., Sultan Ahmadi, J. (2009). Contract severability in Iranian law, England and the Convention on the International Sale of Goods (Vienna 1980), *Private Law Studies Quarterly*, 40(101), 149-166. doi:20.1001.1.25885618.1389.40.101.9.0
- Shahidi, M. (2004). *Principles of contracts and obligations*, Tehran: Lawyer Publications. [In Persian]
- Tari, J. (2007). The status of selling Kali to Kali in Iranian jurisprudence and law. *Journal of the Lawyers Association*, 7-8, 27-44. [In Persian]
- Toosi, A. (2011). Legal-economic analysis contracting premium. *The quarterly journal of public law*. 14 (4), 251-277. [In Persian]
- Treitel, G. (1999). *The Law of Contract*. 10th edition, London, Sweet & Maxwell.
- Veljanovski, Cento g. (2007). *Economic Principles of Law*. Cambridge, New York.
- Zerbe, Jr, R. O. (2001). *Economic Efficiency in Law and Economics*. USA: Edward Elgar Cheltenham, UK Northampton.

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

